

نوعی بحث از وجود داشت که بحث از وجود است که استدلال عقلی را به سیر سلوک عرفانی همراه می سازد و تفاوت آن با روش مشا این است که روش مشایی از عقل نظری فراتر نمی رود و عرفان بر استدلال و عقل بها نمی دهد ولی فلسفه اشراق عقل و ذوق عرفانی را در هم آمیخته است.

۲- سهروردی کسانی را که در جستجوی معرفت هستند (مدراج دانایی) به چند دسته تقسیم میکند؟ توضیح دهید؟

الف: عامه مردم: کسانی که تازه شوق معرفت را یافته اند.

ب: فلاسفه مشا:

۱- کسانی که به معرفت ظاهری رسیده اند.

۲- از ذوق و عرفان بی بهره اند.

۳- فارابی و ابن سینا از این دسته بوده اند.

ج: عرفا:

۱- به استدلال و صور استدلالی توجهی ندارند مانند بوسهل، حلاج و...

۲- فقط با تزکیه نفس درون خود را به نور معرفت روشنی بخشیده اند.

د: حکیمان متاله:

۱- هم به صور برهانی، وهم به اشراق و عرفان رسیده اند.

۲- آنان جانشین خدا هستند و بی واسطه با خدا ارتباط دارند و ریاست امت با آنهاست.

۳- از نظر سهروردی حکیم متاله چیست؟

کسی که در مسیر شناخت هم به صور برهانی رسیده و هم به عرفان دست یافته اوجانشین خداست و بی واسطه با خدا ارتباط دارد و ریاست امت با اوست.

۴- منابع حکمت اشراق را نام ببرید؟

۱- حکمت الهی یونان (فلسفه افلاطونی) ۲- حکمت مشایی (ارسطویی) ۳- حکمت زرتشت (ایران باستان)

۵- یکی از منابع حکمت اشراق «حکمت الهی یونان» است را توضیح دهید؟

حکمت الهی یونان همان حکمت افلاطونی است

فیلسوفان الهی یونان؟ فیثاغورث، امپدوکس، افلاطون

سهروردی افلاطون را امام الحکم می داند و مقام افلاطون برتر از ارسطو می داند؛ افلاطون را فیلسوف اشراقی می داند.

و از اعتقادات او در فلسفه خود زیاد استفاده کرده است

۶- یکی از منابع حکمت اشراق حکمت مشاء است آن را توضیح دهید؟

منظور از حکمت مشایی (ارسطویی) آثار فلسفی ابن سینا و آثار فلسفی فارابی و ارسطو است

۷- یکی از منابع حکمت اشراق حکمت ایران باستان است آن را توضیح دهید؟

۱- سهروردی زرتشت را حکیم فاضل می داند .

۲- بخشی از فلسفه اشراق که بر مبنا ی حقیقت نور استوار است از حکمت زرتشت گرفته شده است .

۸- حقیقت واحد را از نظر سهروردی توضیح دهید؟

از دیدگاه سهروردی حقیقت یکی بیش تر نیست و آن هم منسوب به ذات حق است حقیقت مانند خورشید است که هر چه شعاع هایش بیش تر می شود خودش بیش تر از یکی نمی شود (خورشید واحدی است که به جهت کثرت مظاهرش تکثر نمی یابد)

۹- معنای اشراق را نوشته و بنویسید سهروردی کدام منحنی را در نظر داشته است؟

یکی به معنای نورانیت روشنایی . یکی به معنای محل تابیدن نور (جغرافیای مشرق) و سهروردی در فلسفه خویش هر دو معنا را مد نظر داشته است .

۱۰- مقصود سهروردی از مشرق ، مغرب کامل و مغرب وسطی چیست توضیح دهید؟

مشرق؟ محل تابیدن نور

مغرب کامل؟ عالم دنیای مادی که تاریکی محض است .

مغرب وسطی؟ عالم افلاک و ستارگان مرئی که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته است .

۱۱- آفرینش و اشراق را از نظر سهروردی توضیح دهید؟

ذات نخستین نور مطلق یعنی خدا پیوسته نور افشانی (اشراق) می کند و بدین ترتیب متجلی می شود و همه چیز ما را به وجود می آورد و با اشعه ی خود به آن ها حیات می بخشد .

۱۲- قاعده امکان اشرف را با مثال توضیح دهید و بنویسید؟ از این قاعده چه استفاده ای می شود؟

سهروردی با مشاهده ی عالم ماده بر اساس قائده ی امکان اشرف عالم های بعد از این دنیا (عالم ملکوت - جبروت) را ثابت کرد چون این عوالم برتر (اشرف) از این دنیا هستند و تا آن ها وجود پیدا نکنند این دنیا موجود نخواهد شد ، حال که این دنیا (عالم غیر اشرف) موجود است ثابت می شود حتما قبل از این دنیا ماده عالم های دیگر (غیر مادی) قبلا وجود یافته اند .

۱۳- انوار قاهر را از نظر سهروردی توضیح دهید ؟

۱- مجموعه فرشتگان که عالم هستی را پر کرده اند و شیخ هر کدام را نور قاهر می نامند .

۲- این انوار نسبت به هم جنبه ی علیت بخشی دارند .

۳- رابطه آن ها رابطه ی طولی است (در طول یک دیگرند) .

۴ - واسطه فیض خداوند به عالم پایین تر هستند .

۱۴. ارباب انواع را از نظر سهرودی توضیح دهید ؟

۱. تعداد بی شماری از نوار های قاهر که در یک طبقه از عوالم فرشتگان قرار دارند .

۲. این انوار هم رتبه و هم درجه اند .

۳. رشته عرضی از انوار هستند که نسبت به هم جنبه علیت بخشی ندارند .

۴. تدبیر امور عالم به دست آن هاست (ارباب انواع همان مثل افلاطونی هستند) .

۱۵. انواع مدبر (انواع اسپهبدیه) را از نظر سهروردی توضیح دهید .

عالم ارباب انواع که رشته متوسط از فرشتگان هستند و طبیعت با وساطت آن ها تدبیر می شود و انوار مدبر نام دارند

۱۶. فلسفه مشاء و فلسفه اشراق عالم مجردات را چگونه توصیف می کنند؟

فلسفه ی مشاء عالم مجردات به عالم عقول تدبیر می کرد به صورت طولی در عالم حضور داشتند ولی فلسفه اشراق تمام عالم مجردات به نور تعبیر می کند .

۱۷- سهروردی با اثبات عالم مثال چه تاثیری در فلسفه اسلامی گذاشت؟

سهروردی با اثبات عالم مثال بسیاری از مشکلات فلسفه را حل کرد مانند مجرد بعد خیال ، اتحاد عالم و معلوم، معاد جسمانی

۱۸- ارتباط انوار (موجودات) را از نظر سهروردی توضیح داده و بنویسید بر این اساس مخلوقات چگونه پدید می آیند؟

همه مخلوقات در پرتو ذات حق پدید می آیند و حب نور الانوار به ذات نورانی خویش به تجلیات این نور نیز گسترش می یابد و شعاع درخشان نور الانوار همه مخلوقات را پدید می آورد .

۱۹- چرا علم ما به موجودات نمی تواند غیر مستقیم باشد؟

تا صورتی از شی نزد ذهن حاصل نشود ، ما نمی توانیم به آن علم پیدا کنیم .

۲۰- علم حصولی و علم حضوری را تعریف کرده و رابطه ی آن دو را بنویسید؟

علم حصولی : علم ما به اشیا بیرون که بواسطه صورت های ذهنی آن ها در ما ایجاد می شود .

علم حضوری : علم به صورت های ذهنی خودمان و حالات روحی و روانی و احساسات خودمان که بی واسطه نزد ما حاضر است علم حضوری است .

۲۱- معلوم بالذات و معلوم بالعرض را با ذکر مثال توضیح دهید ؟

معلوم بالذات : آنچه به طور مستقیم برای ما آشکار است و ما بی واسطه به آن ها علم داریم برای ما معلوم بالذات است یعنی ما هر وقت بخواهیم بدون حضورشان آن ها بشناسیم . مانند : تمام صورت های ذهنی خودمان . علم ما به صورت ذهنی گل سرخ .

معلوم بالعرض : آن چه خودش نزد ما حاضر نیست و اگر بخواهیم نسبت به آن ها علم پیدا کنیم به واسطه صورت هایی است که از آن ها در ذهن ما وجود دارد پس آن ها معلوم بالعرض هستند مانند : علم ما به خود گل سرخ در عالم بیرون .

۲۲- علم به نفس و احوال آن را از نظر سهروردی توضیح دهید ؟

ما نسبت به نفس خودمان بدون واسطه آگاهی داریم یعنی نفس ما و تمام حالات و احساسات روحی ما برای ما معلوم بالذات و ما با علم حضوری نسبت به آن ها آگاهی داریم .

۲۳- اشراق نفس را از نظر سهروردی توضیح دهید ؟

نفس انسان یکی از انوار مجرد است و هر شناخت و ادراکی در سایه ی نورانیت نفس حاصل می شود و همین اشراق نفس است برای خود .

۲۴- از نظر سهروردی مشرق اصغر و اکبر چیست و سفر معنوی انسان از مشرق اصغر به مشرق اکبر چگونه است؟

هر گاه انسان در مسیر کمال قرار گیرد نفس او همچون مشرقی می گردد (مشرق اصغر) و پیوسته از مشرقی به سمت مشرق بالا تر در حرکت است تا به مشرق اکبر یا نورا نیت محض و قرب نورالانوار برسد.

۲۵- چهار اهمیت فلسفه ی اشراق را توضیح داده تاثیر هر کدام را بنویسید؟

۱- فلسفه اشراق، فلسفه را از علوم طبیعی بخصوص علم هیئت و نجوم مستقل ساخت.

۲. عالم مثال یا ملکوت را میان عالم ماده و عالم عقول ثابت کرد.

۳. به علم حضوری بیش از علم حصولی توجه نشان داد.

۴. روان شناسی (علم النفس) را از علوم طبیعی جدا کرد و سیر نفس در عالم مجردات مورد توجه قرار گرفت و نفس

روان انسان به عنوان یک موجود مجرد از اقسام وجود شناخته شد.

* درس نهم *

۱. برخورد های فکری عرفا و متکلمین چه تاثیری در فلسفه اسلامی گذاشت؟

عرفان و کلام همیشه با مخالفت های خود با فلسفه اسلامی را رونق و تحرک بخشید و افق های تازه ای را پیش روی

فلاسفه گشودند.

۲. روش عرفانی چه تفاوتی با روش اشراق دارد؟